

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۰۵ می ۲۰۲۳



یونس نگاه

ناهمسوئی اصلاحات سیاسی و اقتصادی در اوزبیکستان

مدتی قبل با دوستی که گاه به آسیای میانه سفر می‌کند، در مورد اوضاع آن منطقه و احتمال نفوذ شورشیان از خاک افغانستان به اوزبیکستان و تاجیکستان صحبت می‌کردیم. او با خوش‌بینی نسبی من موافق نبود. استدلال من این بود که تجربه افغانستان و برگشت طالبان به مردم آسیای میانه فرصت داده است تا نسبت به تمایلات تندروانه و حمایت از شورشیان بنیادگرا دقت بیشتر به خرج دهند و احتمالاً فروپاشی جمهوری اسلامی در افغانستان و سیاست‌های ضد بشری طالبان برای منطقه از جمله اوزبیکستان آموزنده تمام خواهد شد؛ اما او بسیار نگران اتفاقات آسیای میانه به نظر می‌رسید و می‌گفت هر بار به آنجا می‌رود، نشانه‌هایی از عقب‌گرد جامعه به سوی محافظه‌کاری و گسترش تمایلات بنیادگرایانه را بیش از قبل می‌بیند. برداشت من این بود که چندین نسل تماس کشورهای آسیای میانه با شوروی/روسیه و تاثیرپذیری از فرهنگ و گرایش‌های سیاسی حاکم در جامعه روسی‌زبان، آن منطقه را در برابر آسیب‌های بنیادگرایی که از کشورهای عربی و شبه‌قاره هند می‌آید، مصون‌تر ساخته است. تغییر رسم‌الخط نیز کار نفوذ وسیع را برای تندروان منطقه در آن کشورها پیچیده‌تر کرده است. اما، خیلی از دوستانم مثل من خوش‌بین نیستند و نگرانی از آشوب بنیادگرایانه در آن سوی مرزهای شمالی افغانستان نگرانی جدی و توجیه‌پذیر نزد گروهی از هموطنان است. از این رو پی‌گیری اتفاقات آن منطقه برای ما مهم است.

در گفت‌وگویی که بعد از آن با دوست دیگری داشتم، نگرانی‌ها از افزایش تندروی در آسیای میانه را در میان گذاشتم. او که سال‌ها تجربه کار دیپلماتیک دارد و به آسیای میانه علاقه‌مند است، حتماً امیدوارتر از من به نظر می‌رسید. او به تفاوت سطح سواد ساکنان آسیای میانه و افغانستان به‌طور نمونه اشاره کرد و گفت که آدم‌های باسواد و آشنا با مزیت‌های زندگی مدنی اگر به تندروی هم روی بیاورند، افراطیت‌شان با نوع افراطیت طالبانی حاکم در افغانستان فرق خواهد داشت و گمان نمی‌کند آسیای میانه طالبانیزه شود.

به رغم تفاوت دیدگاه، خوشبینان و بدبینان همه به رابطه متقابل تحولات افغانستان و آسیای میانه اذعان دارند و نگرانی از سرنوشت منطقه در ذهن اکثر آنان است که به مسایل سیاسی کشور ما می‌اندیشند، وجود دارد. در آسیای میانه، اوزبیکستان جایگاه ویژه دارد. بخش کلان دره فرغانه و مراکز مشهور اسلامی آسیای میانه در اوزبیکستان واقع شده است. اوزبیکستان پرنفوس‌ترین کشور منطقه است و از این جهت با بزرگترین کشور آسیای میانه، قزاقستان، دوچند فاصله دارد (قزاقستان حدود هجده میلیون و اوزبیکستان به نزدیک ۳۶ میلیون).

مهم‌تر از آن، اوزبیکستان دروازه‌هایش را به روی هر سه بازیگر بزرگ منطقه (روسیه، چین و ایالات متحده آمریکا) گشوده و در تلاش ایجاد توازن میان آن سه ابرقدرت سرگرم عبور از یک دوره بسیار شکننده تاریخی‌اش است. روسیه هنوز بزرگترین طرف تجاری و متحد نظامی اوزبیکستان است و در عین حال سرمایه‌گذاری‌هایش در اوزبیکستان نسبت به دیگر رقیبان چشم‌گیرتر می‌باشد. آشنائی مردم اوزبیکستان به زبان و فرهنگ روسیه نیز نقاط وصل برای دو کشور به حساب می‌آید. با این حال، چین به سرعت در حال تبدیل شدن به بازیگر و سرمایه‌گذار اصلی در اوزبیکستان است و کل منطقه سایه سنگین بیجینگ را به‌عنوان واقعیت جدید پذیرفته‌اند و همه تلاش دارند خود را با آن عیار سازند. اما آمریکا و نظم جهانی که در اختیار دارد، نیز پله سومی سنگین و سوسه‌برانگیز برای آسیای میانه و اوزبیکستان است. آمریکا از طریق بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل، یواس‌اید و دیگر نهادها و ابزاری که در اختیار دارد، اوزبیکستان را در چند دهه اخیر تشویق کرده که به مسیر لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی قدم بگذارد. وب‌سایت‌های بانک جهانی، سازمان ملل متحد و وزارت خارجه آمریکا پر از اسناد طولانی و گزارش‌های دلگرم‌کننده از «پیشرفت» اوزبیکستان به سوی بازار آزاد و لیبرالیسم اقتصادی است. در آن اسناد به اصلاحات سیاسی توجه چندانی نمی‌شود و در عوض به افزایش نقش سکتور خصوصی و تمایل مقام‌های اوزبیک به اصلاحات اقتصادی به تفصیل و با لحن تشویق‌آمیز پرداخته می‌شود. اما در اوزبیکستان «اصلاحات» سیاسی نیز جریان دارد؛ «اصلاحاتی» که به‌نظر می‌رسد مسیر معکوس ریفورم‌های اقتصادی را می‌پیماید.

رفراندم سی‌ام اپریل

شش سال پیش وقتی اسلام کریموف، رئیس جمهور مادام‌المعمر اوزبیکستان چشم از جهان بست، جانشین او کسی از نزدیکان خانواده‌گی‌اش نشد، بلکه شوکت میرضیایف که مدت طولانی و از نزدیک با او کار کرده بود، به قدرت رسید. میرضیایف برای ۱۳ سال صدراعظم دولت کریموف بود و مدت‌ها در پست‌های شاروال، والی و نماینده پارلمان کار کرده بود. او زمانی که رئیس جمهور شد، در سیاست داخلی نیز در پی ایجاد توازن میان میراث‌های گذشته و اصلاحات بود. از یک سو خود را میراث‌دار سلفش خوانده و از اسلام کریموف و کارهایش تقدیر کرد تا دوستان سابق و مدافعان کریموف را برنینگیزد و از سوی دیگر خلاف قاعده دروازه‌های بسته دوران کریموف، مرزهای کشور را به روی تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گشود. در نتیجه اکنون پروژه‌های فرهنگی آمریکا، آموزشگاه‌های انگلیسی، پروژه‌های انکشاف ظرفیت و تربیت و آشناسازی کادرهای اوزبیک با قواعد امریکائی در کنار دانشگاه‌هایی که به زبان روسی تدریس می‌کنند و تاجران و سرمایه‌گذارانی که از چین می‌آیند، همه مشغول شکل‌دهی آینده اوزبیکستان‌اند. البته مبلغان حزب‌التحریر و حرکت اسلامی اوزبیکستان و دیگر گروه‌های بنیادگرا نیز در زیر پوست جامعه مشغول رقابت‌اند. این گشایش، جنب‌وجوشی را در جامعه و بازار ایجاد کرده است، توریسم رونق گرفته، نقش سکتور خصوصی برجسته‌تر شده و در میان طبقه متوسط تحرک کمپیشینه به وجود آمده است.

گشایش، بدون تنش و رقابت نیست. باز کردن بازار به روی سرمایه‌گذاری و گشودن مرزها به روی توریسم و تبادل فرهنگی و نیز گسترش روابط دیپلماتیک با کشورهای قدرتمندی که هر کدام در پی شکل‌دهی جهان با معیارهای سیاسی و فرهنگی خود است، تمایلات داخلی برای تغییرات سیاسی را نیز به همراه می‌آورد. از همین رو نگرانی از احتمال افزایش نفوذ تندروان در اوزبیکستان و ناراضی‌های سیاسی مطرح می‌شود. شوکت میرضیایوف با روش خود تلاش دارد موازنه را در جامعه حفظ کند و فرمان اداره امور را از دست ندهد. رفراندوم اخیر که عکس مسیر اصلاحات اقتصادی راه افتاده، بخشی از آن تلاش است. میرضیایوف زمانی که در اواخر سال ۲۰۲۱ دور دوم ریاست جمهوری‌اش را آغاز کرد، از ضرورت بازنگری قانون اساسی سخن گفت و در مسوده‌ای که اخیراً تهیه شده، ۶۵ درصد قانون اساسی تغییر یافته و ۲۷ ماده و ۱۵۹ فقره تازه در آن افزوده شده است. اما این تغییرات زمینه‌ساز رقابت دموکراتیک و انتخابات آزادی نیست که قدرت میرضیایوف و متحدانش را به چالش بکشد، بلکه در آن از یک سو فرصت سرمایه‌گذاری و گشودن بازار و از سوی دیگر حفظ وضعیت موجود سیاسی و تحکیم قدرت پی‌گیری شده است. میرضیایوف می‌خواهد برای سومین و چهارمین بار نیز رئیس جمهور شود و حاکمیتش تا سال ۲۰۴۰ تضمین گردد. رفراندوم اخیر به همین هدف برگزار شده و در خبرها آمده است که نتیجه از قبل آشکار است و او چون سلفش قصد دارد تا پایان عمر رئیس جمهور بماند. نتیجه رفراندوم نیز نمی‌تواند خلاف میل او باشد.

ترازوی سه‌پله روابط خارجی

پیش از این رفراندوم، آقای میرضیایوف کمپین‌های داخلی و خارجی کافی انجام داده است و به نظر می‌رسد فعلاً در داخل کشور رقیب جدی ندارد و سه کشور چین، روسیه و آمریکا نیز قصد ندارند او را به چالش بکشند. حدود دو ماه قبل انتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، به تاشکند رفت تا در ارتباط به همکاری‌های «سیاسی، تجاری، اقتصادی، سرمایه‌گذاری، تعلیمی، فرهنگی و بشری» گفت‌وگو کند. او در اعلامیه پایانی سفرش از پیشرفت عالی در تامین حقوق بشر، تساوی جنسیتی، مبارزه با کار اجباری، اصلاحات در آزادی بیان و حمایت از رسانه‌ها و انکشاف نهادهای مدنی تقدیر کرد. او حمایت کشورش از تمامیت ارضی اوزبیکستان را اعلام کرد و وعده سپرد که آمریکا آماده همکاری همه‌جانبه با اوزبیکستان است.

این تمجیدها را اوزبیکستان رایگان به دست نیاورده است. میرضیایوف در سال ۲۰۱۸ به واشنگتن سفر کرد و در دیدار با ترمپ علاقه‌مندی‌اش به توسعه همکاری با آمریکا را اعلام نمود. پس از آن بارها هیات‌های دیپلماتیک و اقتصادی بین دو کشور رفت‌وآمد داشته و اوزبیکستان برای همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی با آمریکا گام‌های عملی برداشته است. ظاهراً آمریکا به فرصت‌هایی که برای نفوذ فرهنگی در اوزبیکستان دارد، راضی است و راهی را که حاکمان اوزبیکستان به سمت اقتصاد بازار به پیش گرفته، قناعت‌بخش می‌داند و آرزومند است که از آن طریق و بدون وارد کردن فشار برای تضمین انتخابات آزاد و گذار سیاسی به سوی دموکراسی، فرصت رقابت در آسیای میانه را برای خود حفظ کند. اوزبیکستان نیز دوست دارد با این سطح از نزدیکی، خطر خصومت آمریکا را دور نگه دارد و نگذارد که بنیادگرایی و تروریسم با دالر و تفنگ آمریکا از جنوب به دامنش بریزد. در عین حال تماس و همکاری با آمریکا را در جلوگیری از غلبیدن کامل به گلوی چین و وابستگی بیش از حد به روسیه مفید می‌داند.

یک ماه بعد از بلینکن، وزیر خارجه چین، کین گانگ، از تاشکند دیدار کرد و از همکاری کشورش در توسعه اقتصادی، مبارزه با تروریسم و مبارزه با جدائی‌طلبی اطمینان داد. در رابطه بین چین و اوزبیکستان سخن از آزادی بیان، انکشاف جامعه مدنی و تساوی جنسیت مطرح نیست. آنجا از جاده، خط آهن، تجارت و سرمایه‌گذاری صحبت

می‌شود. چین ضمن حمایت سیاسی از دولت میرضیایوف، پروژه‌های وسوسه‌برانگیز اقتصادی را پیش‌روی او می‌گذارد و به انتقال تجاریش در بخش توسعه و تحقیق وعده می‌سپارد. در آن دیدار دو طرف وعده سپردند که یک پلان همکاری تجاری پنج‌ساله را تعقیب کنند که طی آن تجارت متقابل دو کشور به ۱۰ میلیارد دلار در سال برسد. دو هفته بعد از آن، در آستانه فراندوم، دنیس مانتوروف، معاون صدراعظم روسیه، با هیأتی از تاشکند دیدار کرد و به میرضیایوف وعده همکاری و حمایت داد.

در آن دیدار صحبت از افزایش فرصت‌های همکاری بین دو کشور شد و روسیه تمایلش را به ادامه همکاری‌های صنعتی اعلام کرد. از جمله گفته شد که به‌تازمگی دو کشور یک پروژه مهم در منطقه جزاخ در بخش تکنولوژی راه‌اندازی کرده‌اند. هیأت روسی نیز از بازار آزاد، سکتور خصوصی، جامعه مدنی و آزادی بیان سخن نگفته و مثل چینی‌ها از توسعه خط آهن نیز یاد نکرده، بلکه وعده سپرده است که در صنعت آهن‌آلات، تولید ماشین‌آلات، مهندسی موتر، زراعت، صنایع داروئی و کیمیاوی به همکاری‌هایش ادامه دهد. اوزبیکستان در این عرصه‌ها به‌طور سنتی نیازمند همکاری روسیه است. وزنه حضور روسیه در اوزبیکستان هنوز خیلی سنگین‌تر از چین به علاوه امریکا است. در بالا گفتیم که وزیر خارجه چین اظهار امیدواری کرده که تجارت دو کشور در پنج سال آینده به ۱۰ میلیارد دلار برسد، اما هیأت روسی از افزایش تجارت روسیه و اوزبیکستان در سال ۲۰۲۲ تا مرز ۱۰ میلیارد دلار اظهار خوشی کرده‌اند. در واقع روسیه اکنون در جایی است که چین می‌خواهد با اجرای پلان پنج ساله برسد. البته روسیه می‌داند که نفوذ انحصاری‌اش در اوزبیکستان پایان یافته و چین آن‌چه را آرزو می‌کند، احتمال دارد بسیار زودتر از پنج سال به دست آورد. حرکت چین در رقابت‌های اقتصادی در چند دهه اخیر دایم غافل‌گیرکننده بوده و نفوذش در برخی مناطق از جمله آسیای میانه، فراتر از پیش‌بینی‌ها گسترش یافته است. این امر می‌تواند برای اوزبیکستان و منطقه ما فرصت و نیز خطر باشد. اگر امریکا متوجه شود که چین به سرعت منطقه را جارو می‌کند، آیا به واقعیت جدید تن خواهد داد و به حفظ همکاری‌های محدودش با اوزبیکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه ادامه خواهد داد یا کارت‌های دیگری را به میدان خواهد انداخت؟ مارش تروریسم و بنیادگرایی چطور؟

در تمام دیدارهای مهم منطقه‌ای نام افغانستان سرزبان‌ها است. هیأت‌های امریکائی، چینی و روسی نیز بدون شک در دیدارهایشان با رهبران اوزبیک، از افغانستان سخن گفته‌اند. نقش امریکا در خلق وضعیت موجود را کسی انکار نمی‌تواند و در مورد آن‌چه پشت پرده میان طالبان و امریکا می‌گذرد و تبلیغاتی که در زمینه مبارزه مشترک طالبان و امریکا علیه داعش و القاعده و دیگر «تروریستان بین‌المللی» می‌شود، تردیدهای بسیاری وجود دارد. اوزبیکستان می‌داند که اگر پله‌های سه‌گانه روابط خارجی‌اش را متوازن نگه داشته نتواند، ممکن است حوادث ناگواری رخ دهد. سرنوشت افغانستان با وضعیت آسیای میانه بیش از هر زمانی گره خورده و ثبات آن کشورها به گذار ما از بحران موجود کمک خواهد کرد. ظاهراً فراندوم کنونی اوزبیکستان در میان‌مدت به سود آن ثبات است، اما در عین حال، ادامه حاکمیت تک‌نفری و اصلاحات اقتصادی که ریفرم‌های سیاسی را به همراه ندارد، منطقه را بر لبه پرتگاه بی‌ثباتی نگاه می‌دارد.